

کتاب دانیال - شماره صد و هفتاد و دو

سایه فاطیما: رمزگشایی از نفوذ شیطانی نهفته در پس رؤیاهای پیامبرانه کلیسای کاتولیک

Jeff Pippenger

2024-04-02

پیشگویی فاطیما کار مقدماتی شیطان برای آماده کردن کلیسای کاتولیک بود تا وقتی که او در نقش مسیح ظاهر شود، سازمان خود را به او تسلیم کند؛ زیرا آن «شاهکار قدرت شیطان — یادمانی از تلاش‌های او برای نشان دادن خود بر تخت و حکمرانی بر زمین مطابق اراده‌اش» است. کسانی که به سبب بی‌میلی‌شان به باور کردن توانایی شیطان در انجام معجزات، از شهادت نبوی‌ای که نقش فاطیما را در جهت‌دهی به کاتولیسیسم مشخص می‌کند بهره‌مند نخواهند شد، خود را برای فریب خوردن آماده می‌کنند. پیشگویی فاطیما به کشمکش درونی کاتولیسیسم و جنگ کاتولیسیسم با الحاد پرداخت.

جنگ کاتولیسیزم با الحاد، موضوع آیهٔ چهل دانیال یازده است. تصویر این کشمکش در سال ۱۷۹۸، در آیهٔ چهل، آغاز شد. این کشمکش با نبردی آغاز گردید که در آن ناپلئون، پادشاه جنوب، در سال ۱۷۹۸ پاپ را به اسارت گرفت، و سپس شهادت مندرج در آن آیه با آن پایان می‌یابد که پادشاه شمال در سال ۱۹۸۹ پادشاه جنوب را جاروب کرده، از میان برمی‌دارد. در درون آن تاریخ (از ۱۷۹۸ تا ۱۹۸۹)، آن دو خصم در سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ هر یک با نمادپردازی نبوی مشخص شده‌اند؛ نمادپردازی‌ای که شهادت هر دوی ایشان را به یکدیگر پیوند می‌دهد، در حالی که مضمون کلی آیه را نیز حفظ می‌کند. نبوت فاطیما بی‌تردید نبوتی شیطانی است، اما موضوعی از کلام نبوی خداست، و از این‌رو تاریخی است که باید به درستی فهمیده شود.

یگانه ایمنی برای جان در این زمان این است که در هر گام بپرسیم: خداوند به بنده‌اش چه می‌فرماید؟ کلام خداوند تا ابد پایدار است. کتاب مقدس باید راهنمای ما باشد، و به‌جای مراجعه به حکمت انسان‌ها و پذیرفتن ادعاهای فانیان به‌عنوان حقیقت الهی، باید کلام استوار نبوت را بجوییم. خدا سخن گفته است و کلام او قابل اعتماد است، و باید ایمان خود را بر «چنین می‌گوید خداوند» استوار کنیم. خدا می‌خواهد رویدادهایی را که در پیرامون ما رخ می‌دهد مطالعه کنیم و آن‌ها را با پیشگویی‌های کلام او مقایسه نماییم تا دریابیم که در روزهای آخر زندگی می‌کنیم. ما به کتاب مقدس خود نیاز داریم و می‌خواهیم بدانیم در آن چه نوشته شده است. کسی که با جدیت به مطالعه نبوت پردازد، با مکاشفات روشن حقیقت پاداش خواهد یافت، زیرا عیسی فرمود: «کلام تو حقیقت است.» نشانه‌های زمان، ۱ اکتبر ۱۸۹۴.

در جنگ نیابتی سوم، چنان‌که در آیات سیزدهم تا پانزدهم دانیال یازده به تصویر کشیده شده است، آن قدرتی که خود را برمی‌افزارد تا رؤیا را برقرار سازد، معرفی می‌شود. آن آیه در سال ۲۰۰ پیش از میلاد تحقق یافت، هنگامی که «رومیان به سود پادشاه جوان مصر مداخله کردند» و «بر آن شدند که او را از هلاکتی که آنتیوخوس و فیلیپ برایش تدبیر کرده بودند، محفوظ بدارند.» آن آیه و تاریخ سال ۲۰۰ پیش از میلاد نشان می‌دهند که درست پیش از قانون یکشنبه، بر این مبنا که از جانشین تضعیف‌شده پوتین دفاع شود، در زمانی که ایالات متحده و سازمان ملل متحد (سلوکوس و فیلیپ مقدونی) مصمم شده‌اند که سرزمین‌های روسیه را تصرف کنند و برای منفعت متقابل خویش میان خود تقسیم نمایند، روم پاپی (فاحشه‌صور) نواختن موسیقی خود را آغاز خواهد کرد، آنگاه که آغاز می‌کند به بیرون رفتن تا با پادشاهان زمین زنا ورزد.

سال ۵۳۳ و فرمان ژوستینیان، سپس همان‌گونه که به‌طور نبوی در کتاب مکاشفه، باب سیزدهم، آیه دوم، به تصویر کشیده شده، تکرار خواهد شد؛ آیه‌ای که نشان می‌دهد اژدها (روم بت‌پرست) سه چیز را برای نهاد پاپی فراهم خواهد کرد.

و آن وحشی که دیدم شبیه پلنگ بود، پاهایش مانند پاهای خرس و دهانش مانند دهان شیر بود؛ و اژدها قدرت خود، تخت خود و اقتداری عظیم به او داد. مکاشفه ۱۳:۲.

اژدهای روم بت‌پرست، «تخت» خود را (شهر روم) در سال ۳۳۰، هنگامی که کنستانتین پایتخت خود را به قسطنطنیه منتقل کرد، به پاپیت داد. کلوویس از سال ۴۹۶ «قدرت» نظامی خود را به پاپیت بخشید، و در سال ۵۳۳ یوستینیان «اختیار» مدنی را به پاپیت واگذار کرد. پنج سال بعد، روم بت‌پرست پاپیت را بر تخت نشاند، چنان‌که در آیات شانزده، سی‌ویک و چهل‌ویک دانیال یازده بازنمایی شده است. هنگامی که ایالات متحده در سومین جنگ نیابتی پیروز شود، پاپیت بر قدرت کمونیستی روسیه که موضوع نبوت فاطیما است غلبه کرده خواهد بود. جنگ‌های نیابتی مهر حقیقت را بر خود دارند، زیرا هر سه نبرد به‌وسیله یک ارتش نیابتی پاپی به انجام می‌رسند.

نخستین و آخرین ارتش نیابتی پاپی، ایالات متحده است (پروتستان‌تیسیم مرتد). ارتش نیابتی میانی، نازی‌های اوکراین هستند که در جنگ جهانی دوم نیز ارتش نیابتی کاتولیک علیه روسیه کمونیست بودند. سه جنگ جهانی وجود دارد، و سه جنگ نیابتی نیز وجود دارد. دومین جنگ، هم در میان جنگ‌های جهانی و هم در میان جنگ‌های نیابتی، نازیسم بود. جنگ کنونی در اوکراین، جنگ مرز است؛ جنگی که نخست آیات یازده و دوازده را در نبرد رافیا به انجام رسانید. اکنون جنگ در اوکراین در زمان دومین سه ضربه اسلام از وای سوم در حال تحقق است، هرچند اسلام در آن جنگ خاص دخالتی ندارد.

نخستین ضربه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر سرزمین جلال روحانی وارد شد، و آخرین این سه ضربه در قانون یکشنبه است، و بار دیگر بر ضد همان سرزمین جلال روحانی است. دومین این سه ضربه اسلام وای سوم بر ضد سرزمین جلال باستانی تحت‌اللفظی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بود. آن جنگ در همان ناحیه‌ای در جریان است که بطلمیوس در نبرد رافیا در آن پیروز شد. عیسی اظهار داشت که در ایام آخر جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها خواهد بود.

جنگ‌هایی که عیسی به آن‌ها اشاره کرد، در آن برهه از تاریخ رخ می‌دهند که اثر هر رؤیا به انجام می‌رسد، و این حقیقت را حزقیال ثبت کرده بود. در آن تاریخ، آمدن سومین وای اسلام، دومین و سومین نبرد جنگ‌های نیابتی، تکرار جنگ داخلی آمریکا، و تکرار جنگ انقلاب آمریکا به تصویر کشیده شده‌اند. این جنگ‌ها در خلال تاریخ مهر شدن صد و چهل و چهار هزار تن به انجام می‌رسند، و در قانون یکشنبه که به‌زودی فرا خواهد رسید، خداوند لشکر خود را همچون علمی برخواهد افراشت، در حالی که آخرین، سومین جنگ جهانی آغاز می‌شود، و در حالی که اسلام وای سوم خشم‌افروزی خود را علیه ملت‌ها تشدید می‌کند.

و شما از جنگ‌ها و خبرهای جنگ خواهید شنید؛ مراقب باشید که مضطرب نشوید، زیرا باید این همه رخ دهد، اما هنوز پایان نرسیده است. زیرا قوم بر ضد قوم و مملکت بر ضد مملکت برخواهد خاست؛ و در جاهای گوناگون قحطی‌ها و بیماری‌های همه‌گیر و زلزله‌ها روی خواهد داد. همه اینها آغاز دردهاست. متی ۲۴:۶-۸.

در زمان مهر شدن آن صد و چهل و چهار هزار نفر، دو گروه از قوم خدا بر اساس توانایی‌شان در دیدن و شنیدن شناخته می‌شوند.

از این رو با ایشان به مثل سخن می‌گویم، زیرا با اینکه می‌بینند، نمی‌بینند؛ و با اینکه می‌شنوند، نه می‌شنوند و نه می‌فهمند. و در ایشان نبوت اشعیا تحقق یافته است که می‌گوید: «با شنیدن خواهید شنید، اما نخواهید فهمید؛ و با دیدن خواهید دید، اما درک نخواهید کرد. زیرا دل این قوم کُند شده، و گوش‌هایشان سنگین است، و چشمان خود را بسته‌اند؛ مبادا با چشمان خود ببینند و با گوش‌های خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت کنند، و من ایشان را شفا دهم.» اما خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. متی ۱۳:۱۳-۱۶.

در آن دوره که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، عیسی گفت: «از جنگ‌ها و خبرهای جنگ‌ها خواهید شنید.» در کتاب مکاشفه، یوحنا نماینده کسانی است که صدای مسیح را می‌شنوند.

در روز خداوند در روح بودم و از پشت سرم صدایی بلند شنیدم، مانند صدای شیپور. مکاشفه ۱:۱۰.

«صدایی» که شنید «مانند شیپور» بود، و شیپور نماد جنگ است، و او آن صدا را از پشت سرش شنید. سپس برگشت تا آن صدا را ببیند.

و برگشتم تا آن صدا را که با من سخن می‌گفت ببینم؛ و چون برگشتم، هفت چراغدان زرین دیدم؛ و در میان آن هفت چراغدان، کسی مانند پسر انسان، که جامه‌ای تا به پا در بر داشت و بر سینه کمربندی زرین بسته بود. سر و موهایش سفید مانند پشم، سفید همچون برف؛ و چشمانش چون شعله آتش؛ و پاهایش مانند برنج صیقل‌خورده، چنان‌که در کوره گداخته باشد؛ و آوازش چون صدای آب‌های بسیار. و در دست راستش هفت ستاره داشت؛ و از دهانش شمشیری تیز دودم بیرون می‌آمد؛ و چهره‌اش همچون آفتاب که در قوت خود می‌تابد. و چون او را دیدم، چون مرده‌ای بر پاهایش افتادم. و دست راست خود را بر من نهاد و به من گفت: مترس؛ من اول و آخر هستم. مکاشفه ۱:۱۲-۱۷.

رؤیای مسیح که یوحنا چون برگشت تا آن صدا را ببیند مشاهده کرد، همان رؤیایی بود که دانیال در باب دهم دید، همان رؤیایی که اشعیا در باب ششم دید، و همان رؤیایی که پولس دید، آنگاه که تاریخ هفت رعد را مشاهده کرد.

فروتنی از قداست دل جدایی‌ناپذیر است. هرچه جان به خدا نزدیک‌تر می‌شود، فروتن‌تر و رام‌تر می‌گردد. هنگامی که ایوب آواز خداوند را از درون گردباد شنید، ندا سر داد: «از خود بیزارم و در خاک و خاکستر توبه می‌کنم.» آن هنگام که اشعیا جلال خداوند را دید و کروبیان را شنید که فریاد می‌زدند: «قدوس، قدوس، قدوس است خداوند لشکرها»، فریاد زد: «وای بر من که هلاک شده‌ام!» دانیال، چون فرستاده مقدس به دیدارش آمد، گفت: «زیبایی‌ام در من به تباهی بدل شد.» پولس، پس از آنکه تا آسمان سوّم رفته شد و چیزهایی شنید که گفتنش برای انسان روا نبود، خود را «کمتر از کوچک‌ترین همه مقدسین» خواند. و این یوحنا محبوب بود، که بر سینه عیسی تکیه می‌زد و جلالش را دیده بود، که در برابر فرشتگان چون مرده‌ای بر زمین افتاد. هرچه نزدیک‌تر و پیوسته‌تر به نجات‌دهنده خود بنگریم، کمتر چیزی برای ستودن در خود خواهیم یافت. نشانه‌های زمان، ۷ آوریل ۱۸۸۷.

وقتی جبرئیل رؤیا را برای دانیال تعبیر کرد، رویدادهای نبوی فصل یازدهم را برشمرد. آن رویدادها شرح جنگ‌ها هستند، و در بازنمایی آن جنگ‌ها، رؤیای سبب‌ساز مؤنث «mareh»، که به صورت «marah» بیان شده، باعث شد دانیال به شباهت مسیح دگرگون شود. وقتی مسیح می‌گوید از جنگ‌ها و شایعات جنگ‌ها خواهید شنید، او جنگ‌هایی را مشخص می‌کند که در فصل یازدهم دانیال طرح شده‌اند. او همچنین روشن می‌سازد که برای دیدن آن رؤیایی که بیننده را به شباهت او دگرگون می‌کند، باید برگردید، زیرا صدا پشت سر شماست. جنگ‌هایی که در دانیال یازدهم بازنمایی شده‌اند، شرح جنگ‌هایی هستند که در تاریخ گذشته رخ داده‌اند. با شنیدن آن جنگ‌ها در گذشته، شخص درباره

تاریخی که اکنون در حال وقوع است تعلیم می‌یابد، اما تنها اگر چشم‌هایی برای دیدن و گوش‌هایی برای شنیدن داشته باشد.

هنگامی که حزقیال ثبت کرد که زمانی فرا خواهد رسید که رؤیا دیگر به تأخیر نخواهد افتاد، این موضوع در ارتباط با رؤیای حزقیال درباره قدس آسمانی بود؛ جایی که او، از جمله، «چرخ‌ها درون چرخ‌ها» را دید؛ چیزی که خواهر وایت آن را تعامل پیچیده وقایع انسانی می‌داند.

بر کرانه‌های رودخانهٔ چیبیار، حزقیال گردبادی را دید که گویی از شمال می‌آمد: «ابری بزرگ، و آتشی که در خود می‌پیچید، و پیرامونش درخششی بود، و از میان آن چیزی همچون رنگ کهربا.» چندین چرخ، که در هم متقاطع بودند، به دست چهار موجود زنده به حرکت درمی‌آمدند. بر فراز همهٔ اینها «مانندی از تخت بود، همچون منظرهٔ سنگ یاقوت کبود؛ و بر مانندی از آن تخت، مانندی چون منظرهٔ انسانی بر بالای آن بود.» «و در میان کروبیان، صورت دست انسانی زیر بال‌هایشان پدیدار شد.» حزقیال 1:4، 26؛ 10:8. چرخ‌ها در آرایشی چنان پیچیده بودند که در نگاه نخست مغشوش می‌نمودند؛ اما در کمال هماهنگی حرکت می‌کردند. موجودات آسمانی، که به واسطهٔ دستی که زیر بال‌های کروبیان بود حمایت و هدایت می‌شدند، این چرخ‌ها را می‌رانند؛ و بر فراز آنان، بر تخت یاقوت کبود، آن ازلی بود؛ و گرداگرد تخت، رنگین‌کمانی، نشانهٔ رحمت الهی.

چنان‌که پیچیدگی‌های چرخ‌گونه زیر هدایت دستی که در زیر بال‌های کروبیان بود قرار داشت، همان‌گونه نیز جریان پیچیده حوادث انسانی تحت تدبیر الهی است. در میان کشمکش و غوغای ملت‌ها، او که بر فراز کروبیان نشسته است همچنان امور زمین را هدایت می‌کند.

تاریخ ملت‌هایی که یکی پس از دیگری روزگار و جایگاه مقرر خود را سپری کرده‌اند و، بی‌آنکه خود معنای آن حقیقت را بدانند، ناخودآگاه بر حقیقتی گواهی داده‌اند، با ما سخن می‌گوید. برای هر ملت و برای هر فرد امروز، خدا در طرح عظیم خود جایگاهی مقرر کرده است. امروز آدمیان و ملت‌ها با شاقول در دست آن که هرگز خطا نمی‌کند سنجیده می‌شوند. همگان با انتخاب خود سرنوشت خویش را تعیین می‌کنند، و خدا همه چیز را برای تحقق مقاصد خویش تدبیر می‌کند.

تاریخی که آن «من هستم» عظیم در کلام خود ترسیم کرده است، که حلقه‌ای پس از حلقه‌ای را در زنجیرهٔ نبوت به هم می‌پیوندد، از ازل تا ابد، به ما می‌گوید که امروز در سیر اعصار کجاییم و در زمان آینده چه می‌توان انتظار داشت. هر آنچه نبوت تا زمان حاضر از وقوعش خبر داده بود بر صفحات تاریخ نقش بسته است، و می‌توانیم مطمئن باشیم که هر آنچه هنوز در پیش است به ترتیب خود تحقق خواهد یافت.

«براندازی نهایی همهٔ حکومت‌های زمینی در کلام حقیقت به روشنی پیشگویی شده است. این پیام در نبوتی که هنگام صدور حکم خدا بر آخرین پادشاه اسرائیل اعلام شد، آمده است.» آموزش، ۱۷۸، ۱۷۹.

چرخ‌های پیچیده‌ای که در نگاه نخست در آشفتگی به نظر می‌رسند، همان کنش پیچیدهٔ رویدادهای انسانی‌اند که در کشمکش و غوغای ملت‌ها به تصویر کشیده شده‌اند. تاریخی که مسیح در کلام خود ترسیم کرده است، به ما می‌گوید که در کجا ایستاده‌ایم، و بدین‌سان سرنوشت نهایی همهٔ سلطه‌های زمینی را مشخص می‌سازد. زمان مهر زدن آن یکصد و چهل و چهار هزار، جایی است که اثر هر رؤیا به انجام می‌رسد، و در درون آن تاریخ، چرخ‌ها نمایانگر جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها هستند که مسیح آن‌ها را «ابتدای دردها» نامید. ابتدای دردها در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، زیرا در همان زمان دورهٔ مهر زدن آن یکصد و چهل و چهار هزار آغاز گردید، و فرشتهٔ مهرگذار، نشان خود را بر آنان که برای رجاسات انجام‌شده در میان کلیسا و سرزمین آه و ناله می‌کنند، می‌نهد.

جنگ‌ها در این سرزمین، برای کسانی که می‌بینند و می‌شنوند که آن جنگ‌ها نمایانگر چه هستند، اندوه به بار می‌آورند. تاریخ مهرکردن، سرنگونی نهایی همه پادشاهی‌های زمینی را مشخص می‌کند، و سرنگونی آن پادشاهی‌ها در تاریخ نبوی گذشته ردیابی شده است. وقتی اشعیا در فصل ششم همان رؤیایی را که یوحنا، دانیال، حزقیال، ایوب و پولس دیده بودند دید، داوطلب شد تا پیام آن زمان را ارائه کند، اما پرسید تا چه مدت باید آن پیام را ارائه کند؟

و نیز صدای خداوند را شنیدم که می‌گفت: چه کسی را بفرستم و کیست که برای ما برود؟ آنگاه گفتم: اینک منم؛ مرا بفرست. و او گفت: برو و به این قوم بگو: می‌شنوید، اما نمی‌فهمید؛ می‌بینید، اما در نمی‌یابید. دل این قوم را سخت ساز، گوش‌هایشان را سنگین کن، و چشمانشان را ببند؛ مبادا با چشمان خود ببینند و با گوش‌های خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت کنند و شفا یابند. آنگاه گفتم: ای خداوند، تا به کی؟ پاسخ داد: تا زمانی که شهرها ویران و بی‌ساکن شوند، و خانه‌ها از آدمی تهی گردد، و زمین به کلی ویران و بایر شود، و خداوند مردم را به دوردست براند، و در میانه سرزمین خلوتی عظیم پدید آید. اشعیا ۸: ۶-۱۲.

پاسخی که به اشعیا داده شد این بود که باید پیام را ابلاغ کند تا زمانی که «زمین به کلی ویران شود». پیام مهر و موم کردن در زمان نبرد داده می‌شود، و این نبرد به‌طور مشخص به‌عنوان تفسیر رؤیای «ماره» که همه پیامبران آن را مشاهده کردند، شناخته می‌شود. پیام بیرونی برای پدید آوردن تجربه‌ای درونی طراحی شده است، اما فقط برای کسانی که «خواهند شنید».

پیوند ارتش نیابتی پاپی نازی‌ها در جنگ جهانی دوم، سطر بر سطر، با دومین ارتش نیابتی در دومین جنگ نیابتی هم‌راستا است، و خود جنگ جهانی دوم نیز با دومین جنگ نیابتی هم‌راستا می‌باشد. پیوند دومین جنگ نیابتی با جنگ مرزی رافیا که اکنون در اوکراین در حال تکرار شدن است، از حیث جغرافیایی با دومین ضربه اسلام از وای سوم که در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، مرتبط است و نمودار چرخ‌ها در میان چرخ‌ها از نظر نبوی است.

در سال ۱۹۹۹، کتابی منتشر شد که جان کورنول آن را نوشته بود. جان کورنول در آن زمان پژوهشگر ارشد کالج جیزس در کمبریج انگلستان بود و روزنامه‌نگار و نویسنده‌ای برنده جوایز به‌شمار می‌رفت. این کتاب به نقش پاپ روم که در دوران جنگ جهانی دوم حکومت می‌کرد می‌پرداخت. کتاب با پدربزرگ پاپ آینده آغاز می‌شود؛ همان کسی که دست راست پاپ پیوس نهم، معروف به پیو نونو، بود. در سال ۱۸۴۹، گروهی جمهوری‌خواه به مجموعه‌های واتیکان حمله کردند و پاپ پیوس نهم از شهر روم گریخت. مردی که او را در تبعید با خود برد، پدربزرگ اوجنیو پاچلی بود. اوجنیو پاچلی نوه دست راست پاپ پیوس نهم بود و بعدها به پیوس دوازدهم بدل شد، و کتابی که درباره اوجنیو پاچلی نوشته شد، «پاپ هیتلر: تاریخ پنهان پیوس دوازدهم» نام داشت.

در این کتاب، کورنول بررسی می‌کند که پاپ پیوس دوازدهم، که پیش‌تر کاردینال اوجنیو پاچلی بود، تا چه اندازه از آزار و پیگرد یهودیان به دست رژیم نازی در خلال جنگ جهانی دوم آگاه بود و به آن واکنش نشان داد. او نشان می‌دهد که سکوت علنی و عدم اقدام پیوس دوازدهم در محکوم کردن هولوکاست، بیانگر رهبری غیراخلاقی او در طول جنگ بود.

کورنول زمینه تاریخی دوره پاپی پیوس دوازدهم را، از جمله پیشینه دیپلماتیک او و پویایی‌های سیاسی پیچیده آن دوران، ارائه می‌دهد. او رویکرد واتیکان در مواجهه با آلمان نازی را بررسی می‌کند. کورنول عنوان می‌کند که پیوس دوازدهم در محکوم کردن هولوکاست و مداخله به سود یهودیان تحت آزار کوتاهی کرد، زیرا او، به‌عنوان کاردینال در سال ۱۹۳۳، کنکورداتی با هیتلر منعقد کرده بود که وعده تسلیم کاتولیک‌ها در برابر اعمال هیتلر را می‌داد.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

پس از جنگ جهانی دوم، برخی از جنایتکاران جنگی نازی توانستند با گریختن به کشورهای گوناگون، از جمله چندین کشور در آمریکای جنوبی، از عدالت بگریزند. روش‌های اصلی‌ای که آنان برای فرار و رسیدن به آمریکای جنوبی به کار بردند، عبارت بود از:

رت‌لاین‌ها: رت‌لاین‌ها مسیرهای مخفی فراری بودند که به وسیله سازمان‌های گوناگون، از جمله کلیسای کاتولیک و دستگاه‌های اطلاعاتی همدل، برای کمک به نازی‌ها و دیگر فراریان جهت گریختن از اروپا ایجاد شده بودند. این مسیرها غالباً مستلزم استفاده از هویت‌های جعلی، اسناد جعل‌شده و شبکه‌های قاچاق بودند تا انتقال آنان را به پناهگاه‌های امن، از جمله آمریکای جنوبی، تسهیل کنند.

اسناد جعلی: بسیاری از فراریان نازی گذرنامه‌ها، روادیدها و دیگر اسناد مسافرتی جعلی به دست آوردند تا هویت واقعی خود را پنهان کنند و از دستگیری بگریزند. آنان از این اسناد برای عبور از کشورهای بی‌طرف یا همدل استفاده کردند، پیش از آنکه به آمریکای جنوبی برسند.

همدستی مقامات: در برخی موارد، مأموران دولتی همدل در کشورهای آمریکای جنوبی حضور فراریان نازی را نادیده گرفتند یا به‌طور فعال به آنان در گریز از بازداشت یاری رساندند. برخی دولت‌ها، به‌ویژه آنانی که دارای رژیم‌های اقتدارگرای همسو با ایدئولوژی نازی بودند، به این افراد پناه دادند.

خلأهای قانونی: برخی از جنایتکاران جنگی نازی از خلأهای قانونی یا قوانین سهل‌گیرانه استرداد در کشورهای آمریکای جنوبی سوءاستفاده کردند تا از استرداد به اروپا، جایی که در آن‌جا برای جنایاتشان با پیگرد قضایی روبه‌رو می‌شدند، بگریزند.

در مجموع، ترکیب خطوط فرار، اسناد جعلی، همدستی مقامات، و خلأهای قانونی این امکان را برای جنایتکاران جنگی نازی فراهم ساخت که به آمریکای جنوبی بگریزند و تا سال‌های بسیاری پس از پایان جنگ جهانی دوم از اجرای عدالت بگریزند. ChatGPT، مارس ۲۰۲۴.